

## درگذشت دکتر میلو سوریچ

خسرو باقری

سرانجام همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، در ۱۱ مارس ۲۰۰۶، مقام‌های امنیتی هلند اعلام کردند که دکتر اسلو بودان میلو سوریچ، رئیس‌جمهور پیشین یوگسلاوی، در زندان شونینگن<sup>۱</sup>، در حومه‌ی شهر لاهه، درگذشته است! مرگ مشکوک میلو سوریچ، تنها ۴۰ ساعت پیش از پایان دفاعیاتش، اتفاق افتاد. بسیاری از تحلیل‌گران و شخصیت‌های سیاسی و حزب‌های کشورهای مختلف از جمله حزب کمونیست فدراسیون روسیه، مسوولیت مرگ میلو سوریچ را به گردن ناتو و دادگاه لاهه انداخته‌اند؛ این دادگاه را ناتو برای محاکمه‌ی میلو سوریچ و در واقع حزب کمونیست یوگسلاوی تدارک دید رئیس‌جمهور پیشین یوگسلاوی را کماندوهای عضو ناتو از یوگسلاوی ربودند و به زندان‌های هلند منتقل کردند.

ده‌روز پیش از این هم، مقام‌های دادگاه لاهه اعلام کرده بودند که «بایچ»<sup>۲</sup> (۵۰ ساله)، مسوول دفاع از بخش صرب‌نشین کروواسی، در زندان خودکشی کرده است. این خبر در حالی اعلام می‌شود که تمام زندان، در تمام بیست و چهار ساعت، با دوربین‌های مجهز، کنترل می‌شود. نکته‌ی جالب آن است که مقام‌های زندان، «بایچ» را به شدت زیر فشار قرار داده بودند که در دادگاه میلو سوریچ شرکت کند و او را به جنایت متهم سازد.

دکتر میلو سوریچ در ۲۹ اوت ۱۹۴۱ در «پوزارواج»<sup>۳</sup> در بخش صربستان متولد شد. در سال ۱۹۵۹ در سن هجده سالگی به حزب کمونیست یوگسلاوی پیوست. او تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق و اقتصاد در دانشگاه بلگراد به پایان برد. دکتر میلو سوریچ به علت خدمت‌های خود به جامعه و حزب کمونیست یوگسلاوی و نیز اقدام‌های ثمربخش در

1. Scheveningen

2. babic

3. Pozarevac

بخش‌های گاز و بانک کشور، در سال ۱۹۸۷ به‌دبیر اولی حزب کمونیست یوگسلاوی برگزیده شد. میلو سوویچ در سال ۱۹۸۹، به‌ریاست جمهوری یوگسلاوی رسید و از آن‌جا که نظام بورکراتیک را عامل عدم پیشرفت یوگسلاوی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق می‌دانست؛ مبارزه‌ی خود را علیه این نظام آغاز کرد. در ضمن نخستین بار در تاریخ یوگسلاوی بود که یک صرب به‌ریاست جمهوری می‌رسید.

آغاز فعالیت میلو سوویچ به‌عنوان رییس‌جمهور، با فروپاشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اروپا همراه بود. سرمایه‌داری جهانی دوشادوش تشکیلات گسترده‌ی کلیسایورش خود را به‌سوسیالیسم آغاز کرده بود. یوگسلاوی که در جنگ جهانی دوم، نقش برجسته‌ای در شکست فاشیسم داشت، اکنون در معرض هجوم وحشیانه‌ی فاشیسم نوین قرار گرفته بود.

کشورهای سرمایه‌داری با مطرح کردن انتخاب یک صرب به‌ریاست جمهوری، آن را بازتاب ناسیونالیسم صرب اعلام و تبلیغات گسترده‌ای را علیه میلو سوویچ و حزب کمونیست به‌راه انداختند. ابتدا بوسنی و هرزگوین و سپس کرواسی، با حمایت آشکار اتریش و آلمان، خواستار جدایی از یوگسلاوی شدند. این دو بخش قلب اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دادند؛ زیرا به‌خاطر نزدیکی به اروپا، تمام سرمایه‌ی کشور در این بخش فعال بود. میلو سوویچ برای پیشگیری از بحران، به‌رهبران این دو بخش پیشنهاد کرد که بار دیگر مسوولیت کشور را به‌عهده بگیرند. اما رهبران این بخش‌ها با تحریک آلمان و اتریش اعلام کردند که حاضر نیستند، هزینه‌ی زندگی بخش‌های فقیرنشین یوگسلاوی - از جمله صربستان - را به‌عهده بگیرند.

آلمان نخستین کشوری بود که استقلال این دو بخش یوگسلاوی را به‌رسمیت شناخت. نیروهای ناتو که پیش از اعلام استقلال هم، به‌صورت گسترده‌ای در این دو بخش حضور داشتند، پس از اعلام استقلال در واقع این دو بخش کشور را اشغال کردند. پس از این رویداد، مناطق بوسنی و هرزگوین در مرکز توجه پیمان ناتو قرار گرفت. به‌یک‌باره فریاد «واسلاما» سراسر جهان را فرا گرفت. کشورهای سرمایه‌داری با تحریک کشورهای مسلمان، و این‌که برای دفاع از مسلمانان باید کمونیست‌های بی‌خدا را نابود کرد، در ۱۸ مارس ۱۹۹۹ بمباران گسترده‌ی این منطقه را آغاز کرد. آلمان و اتریش در انتقال مسلمانان مبارز، از کشورهای مختلف به‌منطقه‌ی جنگی، بیش‌ترین نقش را ایفا کردند.

در این حمله ناتو با ۳۱۸۰۰ حمله‌ی هوایی، تمام تاسیسات صنعتی و زیربنایی یوگسلاوی را نابود کرد؛ کاری که فاشیسم آلمان در جریان جنگ جهانی دوم موفق به انجام آن نشده بود. مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز تولید آب و برق که براساس کنوانسیون ژنو، مصون از حمله‌ی نظامی هستند نیز، در این حملات زیر بمباران وحشیانه‌ی کشورهای سرمایه‌داری عضو ناتو قرار گرفتند و بسیاری از آن‌ها نابود شدند. درست در شرایطی که براساس آمار کشورهای غربی، ۵۰۰۰ صرب در این حملات کشته شده بودند؛ آمریکا و اعضای ناتو، دکتر میلو سوویچ، رئیس‌جمهوری یوگسلاوی را به جنایت علیه بشریت متهم کردند و زمینه‌های تبلیغاتی بازداشت او را فراهم ساختند.

دادگاه لاهه گرچه می‌دانست که میلو سوویچ از فشار خون و بیماری قلبی و سردرد دائمی رنج می‌برد؛ اما نه تنها امکان درمان او را فراهم نکرد؛ بلکه از صدور ویزا برای خروج او از کشور و ادامه‌ی درمان - با وجود تعهد رسمی دولت روسیه برای بازگرداندن او - خودداری کرد. به این ترتیب نه تنها جنایتکاران ناتو، بلکه روسای دادگاه میلو سوویچ از جمله پاتریک رایبسون<sup>۱</sup>، گون کوان<sup>۲</sup> و لین بونومی<sup>۳</sup>، مسوول این جنایت به حساب می‌آیند.

دکتر اسلو بودان میلو سوویچ در ۶۴ سالگی، درست ۴۰ ساعت پیش از آخرین دفاعیات - که در آن با وجود آمادگی صدها وکیل برجسته، خود به دفاع از یوگسلاوی پرداخته بود - در زندان دادگاه لاهه درگذشت! صدها هزار تن از مردم یوگسلاوی و رهبری حزب کمونیست یوگسلاوی - که اکنون به حزب سوسیالیست یوگسلاوی تغییر نام داده است به طور رسمی با او وداع کردند. بسیاری از احزاب کمونیست جهان - که درست چند روز پیش از درگذشت او با انتشار اطلاعیه‌ی مشترکی خواهان آزادی او شده بودند - و نیروهای مترقی جهان، به احترام نام و یاد او پرچم‌های خود را به حالت نیم‌افراشته نگه داشتند تا به مبارزه‌ی او چه در دوران جنگ و چه در دادگاه، ادای احترام کنند.

---

1. Patric Rabinson

2. Gon Kwan

3. Lain Bonomy